

## بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با رضایت جنسی بین زوجین (مورد

### مطالعه: شهروندان شهر تبریز)

دکتر فتنه حاجیلو<sup>۱</sup>، دکتر فاطمه گللابی<sup>۲</sup>، بهمن رنجگر قلعه‌کندی<sup>۳</sup>

تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۴/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴

#### چکیده:

رضایت زناشویی مؤلفه بنیادین زندگی مشترک است و نقش مهمی در سلامت روان زوجین دارد. عوامل متعددی بر رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارند که یکی از آنها رضایت جنسی است. هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با رضایت جنسی در بین متأهلین شهر تبریز است. پژوهش با روش پیمایشی انجام شده و جامعه آماری افراد متأهل ساکن در سه منطقه از مناطق دهگانه شهر تبریز در سال ۱۴۰۱ است. بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه آماری ۳۸۴ نفر تعیین شد و با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای و انتخاب تصادفی نمونه‌ها، شرکت‌کنندگان در پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند. برای توصیف داده‌ها از آماره‌های توصیفی و برای بررسی ارتباط بین متغیرها از آزمون‌های تی مستقل، تحلیل واریانس و آزمون همبستگی پیرسون، در سطح اطمینان ۹۵ درصد استفاده شده است. یافته‌های توصیفی مربوط به رضایت جنسی نشان می‌دهد میانگین این متغیر وابسته در نمونه بررسی شده برابر ۴۴/۰۹۴ است که از مقدار متوسط قابل اکتساب در مقیاس بکار برده شده برای سنجش آن بیشتر است. ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده برای رابطه بین رضایت جنسی و همسان همسری معادل ۰/۴۴۹ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ می‌باشد که نشان از رابطه معنی‌دار و مستقیم بین آنها دارد. نتایج تحقیق گویای آن است که همسان همسری از عوامل اجتماعی تأثیرگذار در رضایت جنسی زوجین است؛ همچنین دیگر یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تحصیلات، درآمد، سن زوجین، تعداد فرزندان از عوامل تأثیرگذار در رضایت جنسی زوجین می‌باشد. نتیجه نهایی آنکه رضایت جنسی به‌عنوان یکی از عوامل مهم رضایت از زندگی زناشویی متغیری است که صرفاً جنبه فردی و روانشناختی ندارد و تحت تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی قرار می‌گیرد.

مفاهیم کلیدی: رضایت جنسی، همسان همسری، روابط زوجین، رضایت زناشویی

<sup>۱</sup> استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول) fhajilou@tabrizu.ac.ir

<sup>۲</sup> دانشیار گروه علوم اجتماعی و عضو قطب سلامت دانشگاه تبریز، تبریز، ایران f.golabi@tabrizu.ac.ir

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد جامعه‌شناسی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران ranjgarbahman@gmail.com

## مقدمه و بیان مسأله

پدیده ازدواج یکی از مهم‌ترین وقایع در روند زندگی هر انسان و پیوند زناشویی، یکی از عالی‌ترین رسوم اجتماعی، برای دستیابی به نیازهای روحی، عاطفی و امنیتی زوجین است. ازدواج نوعی تبادل و رابطه انسانی، ظریف، پویا و در عین حال یک مفهوم پیچیده است (Azadian & Fathi, 2016: 86). رضایت از زندگی زناشویی از مهم‌ترین مسائل زندگی مشترک است چون زوجین برای دستیابی به یک رابطه صمیمی و آرامش‌بخش، نیازمند ایجاد فضایی امن می‌باشند تا در رویارویی با بسیاری از چالش‌های زندگی آماده شوند. همچون هر رابطه دو سویه‌ای، پدید آمدن کشمکش و اختلاف به دلیل شخصیت متفاوت هر یک از طرفین امری طبیعی است، «از جمله مسائلی که زمینه‌ساز تعارض زناشویی، شناخته شده و می‌تواند پدیدآورنده اختلاف زناشویی باشد می‌توان به پول، روابط جنسی، روابط خویشاوندی، روابط با دوستان، تربیت فرزندان، خیانت جنسی، مشکلات عاطفی، مشکلات مالی، مشکلات ارتباطی، درگیری کاری اشاره کرد» (Masoudi Asl & Rad, 2015: 48).

روانشناسان معتقدند با اینکه نمی‌توان ارتباط جنسی را تنها علت اختلاف زناشویی دانست؛ اما مشخص‌کننده روابط پریشان است و مشکلات را تشدید می‌کند. پژوهشگران این حوزه در مطالعات خود دریافتند از این منظر، رضایت زناشویی در طی مراحل اولیه زندگی افزایش و طی ده تا بیست سال بعد رو به کاهش می‌رود (Azarnik & et. al, 2021:162). به نظر می‌رسد ایجاد رضایت جنسی از جمله کارکردهای مهم ازدواج در تشکیل بنیان خانواده و از عوامل بنیادی در جلوگیری از تعارضات زناشویی باشد.

زمانی که دو فرد از خانواده‌های متفاوت و با سلیق مختلف، ازدواج می‌کنند دوام و کیفیت رابطه آن‌ها به دانش، مهارت و هنر هر یک از آن‌ها در تحکیم این ارتباط بستگی دارد؛ این امر در مورد زندگی زناشویی و رابطه جنسی زوجین که صمیمی‌ترین و خصوصی‌ترین نوع رابطه انسان محسوب می‌شود بیشتر صادق است (Ismailpour & et. al, 2012: 31). آمارها نشان می‌دهد یکی از عوامل شاخص در فروپاشی خانواده به صورت رسمی عدم ارضای غریزه جنسی زوجین است. بر اساس تحقیقات حدود ۵۰ درصد از تعارضات زناشویی که عامل جدایی بین زوجین است که در دادگاه‌های خانواده به بهانه‌های مختلف صورت می‌گیرد ریشه در مسائل جنسی دارد (Ghadiri & Forootan, 2008:3). اگر چه به علت خصوصی بودن موضوع و با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی «بسیاری از تعارضات و اختلاف‌ها بین زوجین ناشی از نارضایتی جنسی بین زوجین به بیرون از خانواده گزارش نمی‌شود» (Jahani Daulatabad, 2015: 332). عدم رضایت از روابط جنسی متعارف در

خانواده بخش مهمی از اختلافات را سبب می‌شود و زمینه بروز خیانت و معاشرت‌های پنهانی همسران را سبب می‌شود. این موضوع به علت تابوهای اخلاقی در جامعه کمتر مورد بررسی مستقیم قرار گرفته است و اغلب تحقیقات انجام شده نیز آن را در ابعاد روانشناختی بررسی کرده‌اند. رضایت جنسی به‌عنوان یک ارزیابی ذهنی و شامل واکنش‌های تأثیرگذاری است که به‌طور کلی از ارزیابی روابط جنسی نشأت می‌گیرد و سلامت عمومی فرد را از جنبه‌های گوناگون تحت تأثیر قرار می‌دهد.

*Maclaren (1995)* معتقد است مسائل جنسی سهم به‌سزایی در بهداشت و سلامت کلی خانواده ایفا می‌کند، اما متأسفانه بررسی و ارزیابی این مسائل اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرد چون صحبت در این حوزه گاهی ناخوشایند، خجالت‌آور و گناه تصور می‌شود اما مطالعات متعدد نشان می‌دهد که منشأ بسیاری از اختلافات زناشویی ناشی از عدم رضایت جنسی می‌باشد (*Movahed & Azizi, 2013:193*). بر اساس نتایج گزارشات متعدد مسائل جنسی زوجین به‌عنوان یکی از شایع‌ترین مشکلات در بین زوجین اعلام شده است. به‌طوری که بیش از ۵۰ درصد طلاق‌ها و ۴۰ درصد خیانت‌ها و معاشرت‌های پنهانی ناشی از عدم ارضای جنسی در بین زوجین می‌باشد. علاوه بر مشکلات یاد شده مسائلی همچون اضطراب، افسردگی، اختلالات خواب و مشکلات دیگری نیز در این باره نمایان شده‌اند (*Sarukhani, 2012:1*). ناکارآمدی جنسی یک پدیده چند عاملی و پیچیده است و نارضایتی از عملکرد جنسی می‌تواند سایر قلمروهای زندگی مشترک را نیز تحت تأثیر قرار دهد. آنچه نگران‌کننده است ناشناخته بودن این عامل به‌عنوان علت جدایی زوجها است که معمولاً پنهان می‌ماند. گر چه کار کرد اصلی برقراری رابطه جنسی بین زن و مرد در گذشته برای فرزندآوری بوده است. اما امروزه در کنار فرزندآوری این امر معنای با ارزشی یافته و به‌عبارتی سکس ایده‌آل به عنوان هدف برای افراد تبدیل شده است (*Golabi & et. al, 2022:4*). رحمانی و همکارانش در مقاله خود به نقل از *Hulbert & et. al (1992)* اظهار می‌دارند که نارضایتی از عملکرد جنسی نه تنها با طلاق، بلکه با مشکلات اجتماعی از قبیل تجاوزات جنسی و بیماری‌های روانی ارتباط معکوسی دارد (*Rahmani & et. al, 2006:15*). با اینکه عوامل اجتماعی مختلفی وجود دارند که به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر رضایت جنسی زوجین تأثیر دارند، تحقیق در این خصوص غالباً از لحاظ روانشناختی بررسی شده و کمتر به لحاظ اجتماعی بدان پرداخته شده است. هدف اصلی تحقیق حاضر شناخت عوامل اجتماعی مرتبط با رضایت جنسی زوجین است.

یافته‌های حاصل از بررسی پرونده‌های طلاق مشکلات مربوط به رابطه جنسی را از عوامل بنیادی وقوع طلاق نشان می‌دهد (Rahmani & et. al, 2006: 15). بنا به اعلام مرکز آمار ایران آذربایجان شرقی پس از استان‌های تهران، خراسان رضوی و فارس، با ثبت ۴۳۵۱ مورد طلاق در نیمه نخست سال ۱۳۹۹ رتبه چهارم وقوع طلاق را در کشور دارد. البته این آمار فقط بخشی از اختلافات مطرح شده در مراجع قضایی را نشان می‌دهد در حالی که برخی از نارضایتی‌ها به دستگاه قضا ارجاع نمی‌شود و نیز زوجینی وجود دارند که به واسطه موانع و تابوهای اجتماعی اساساً نارضایتی خود را عیان نمی‌کنند. طبق آمار منتشر شده از سوی ثبت احوال آذربایجان شرقی در ۹ ماهه اول سال ۱۴۰۲ بیش هشت هزار و ۱۸۲ واقعه طلاق به ثبت رسیده که ۹/۴ درصد بیشتر از مدت مشابه سال قبل است.

شهر تبریز محل زندگی خانواده‌های با فرهنگ‌های مختلف و به دلیل استقرار گروه‌های اجتماعی و اقشار مختلف اجتماعی به‌عنوان بستر تحقیق در این موضوع انتخاب شده است به این منظور سه منطقه از مناطق شهرداری شهر تبریز که به لحاظ جغرافیایی در غرب، شرق و مرکز شهر واقع شده بررسی شدند. ساکنان هر یک از این مناطق از لحاظ ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی نماینده گروه‌های متفاوتی هستند که در مجموع تقریباً نمایی کامل از وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهر تبریز را پوشش می‌دهد. بنابر مطالب گفته شده سؤال کلی در تحقیق حاضر آن است که: عوامل اجتماعی مرتبط با رضایت جنسی زوجین کدام است؟

### پیشینه پژوهش

#### الف) تحقیقات داخلی

گلایی و همکاران (۱۴۰۱)، تحقیقی برای «بررسی عوامل فردی زمینه‌ای مرتبط با رضایت جنسی زنان (مطالعه زنان متأهل در شهر تبریز)» با روش پیمایش و با بهره‌گیری از تکنیک پرسشنامه انجام داده‌اند. برای بررسی رضایت جنسی از پرسشنامه استاندارد عملکرد جنسی زناشویی (MSF)، با هفت بعد مشارکت جنسی، ابراز جنسی، هیجان جنسی، تمایل جنسی، تحقق جنسی، نگرش جنسی و آگاهی جنسی و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. محققان دریافتند که سن و درآمد از عوامل اصلی در رضایت جنسی زوجین می‌باشد.

جهانگیری و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهش «همسان همسری ارزشی و رضایت زناشویی مطالعه موردی: شهر نورآباد» که با استفاده از دو پرسشنامه مقیاس ارزشی زوجین «شوارتز» و رضایت زناشویی «اینریچ» انجام شده دریافتند که بین همسان‌همسری ارزشی با رضایت

زناشویی زوجین رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج نشان داد میانگین نمره زنان در همه ابعاد نظام ارزشی بیش از مردان و میانگین نمره رضایت زناشویی مردان بیش از زنان بوده است. بیشترین تفاوت رضایت زوجین، به مسائل شخصیتی همسر، اوقات فراغت، مسائل مربوط به بچه‌ها و روابط جنسی و کمترین تفاوت به نظارت مالی مربوط بوده است.

نتایج تحقیق راسخ جهرمی و همکاران (۱۴۰۰)، نیز که با عنوان «بررسی رضایت زناشویی و عوامل مرتبط با آن در زنان مراجعه‌کننده به کلینیک زنان شهرستان جهرم» انجام شده گویای آن است، بین رضایت زناشویی با تعداد فرزندان، درآمد و تحصیلات رابطه معنی‌داری وجود دارد. مطالعه از نوع توصیفی مقطعی می‌باشد که در سال ۹۹ بر روی زنان مراجعه‌کننده به کلینیک زنان شهرستان جهرم صورت گرفته و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه رضایت زناشویی اینریچ است. نتایج نشان می‌دهد بین مدت زمان زندگی مشترک و تعداد فرزند با رضایت زناشویی رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد بر حسب سطح تحصیلات تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید اما هر چه امکانات کسب درآمد و بهبود وضعیت اقتصادی بیشتر شود، رضایت زناشویی افزایش می‌یابد.

بالاگیری و سعادت حسین (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان «الگوهای پیش‌بینی‌کننده طلاق عاطفی، بین ۱۹ زوج مراجعه‌کننده کرمانشاه به مراکز مشاوره» که با روش کیفی انجام شده دریافتند، ابعاد شخصیتی، سن و تحصیلات در پیش‌بینی طلاق عاطفی نقش دارد.

طلایی‌زاده و بختیارپور (۱۳۹۴)، در تحقیقی با عنوان «رابطه رضایت زناشویی و رضایت جنسی با سلامت روان زوجین» نشان دادند که بین رضایت جنسی با گروه سنی زوجین رابطه معنی‌داری وجود دارد. پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بوده که در آن ۲۲۰ زوج به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که رضایت زناشویی و رضایت جنسی با سلامت روان زوجها در دوره‌های سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، ۳۱ تا ۴۰ سال، ۴۱ تا ۵۰ سال ارتباط مثبت و معنادار دارد.

زارع و صفاری جعفرآباد (۱۳۹۳)، در تحقیقی برای «مطالعه رابطه عوامل مؤثر بر میزان رضایت از زندگی زناشویی در بین زنان و مردان متأهل شهر تهران» پرداختند. بررسی بین زنان و مردان ۱۸ تا ۶۰ سال انجام شده که حداقل یک‌سال از زندگی مشترک آن‌ها گذشته باشد و نتایج حاکی از آن بود که بین اختلاف سنی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، میزان تحصیلات و میزان درآمد زوجین با رضایت جنسی زوجین رابطه معنی‌دار وجود دارد.

**ب) تحقیقات خارجی**

*Tasew & Getahun (2021)* در تحقیقی با عنوان تعارض زناشویی بین زوج‌ها: مورد مطالعه شهر دوربته، منطقه آمه‌ارا، اتیوپی « نشان داده‌اند که یکی از عوامل اصلی در تعارضات زناشویی عدم رضایت جنسی زوجین می‌باشد که خود تحت تأثیر اقتصاد و درآمد خانوادگی است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه جمع‌آوری شد. از آزمون  $t$  تک نمونه‌ای، میانگین وزنی و ترتیب رتبه به‌عنوان تکنیک‌های تحلیل کمی داده‌ها استفاده شد. یافته‌ها نشان کیفی با استفاده از بررسی موضوعی نقل قول مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که تعارضات زناشویی از شیوع بالایی برخوردار است و سال به سال روند افزایشی را نشان می‌دهد. علل عمده تعارضات زناشویی، مشکلات روانی، عدم رضایت جنسی، تعارضات فرهنگی اجتماعی و اقتصادی بود.

*Reis & et. al (2021)* در تحقیقی با عنوان «عوامل اجتماعی و رفتاری مرتبط با رضایت جنسی زنان» با مرور اسناد منتشر شده در پایگاه‌های اطلاعاتی *EBSCO* و *Web of Science* با استفاده از عبارات کلیدی "لذت جنسی زنانه" و "لذت جنسی زنان" با پیروی از دستورالعمل‌های *PRISMA* به بررسی ۷۶ سند پرداختند. یافته‌های تحقیق گویای آن بود که سن، تجربه جنسی، احترام به بدن، استقلال جنسی از عوامل تأثیرگذار در رضایت جنسی به نظر می‌رسد.

*Saggino & et. al (2021)* در پژوهشی برای بررسی «ضریب سازگاری و رابطه آن با رضایت زناشویی و ویژگی‌های شخصیتی در زوج‌های متأهل ایتالیایی» به تحقیق درباره تأثیر شباهت زوجین برای پیشگیری از طلاق پرداختند. آنها با بکارگیری ضریب سازگاری ویلسون (*CQ*) که یک آزمون معتبر برای اندازه‌گیری خطر طلاق در زوج‌های متأهل در نظر گرفته می‌شود و میزان سازگاری یا شباهت بین زوج‌ها را اندازه‌گیری می‌کند دریافتند در زوج‌هایی که نمرات سازگاری بالایی دارند، سطح رضایت زناشویی و جذابیت شریک زندگی بالاتر بوده است. انرژی، وظیفه‌شناسی، ثبات عاطفی باز بودن و توافق‌پذیری نیز با سازگاری زوجین مرتبط بودند.

*Nunes (2008)* تحقیقی با عنوان «مشکلات زناشویی و رضایت زناشویی بررسی یک نمونه برزیلی» انجام دادند که هدف آن بررسی مشکلات زوج‌های برزیلی براساس، تفاوت‌های جنسیتی در درک مشکلات زناشویی و ارتباط بین مشکلات زناشویی و رضایت زناشویی بود. تحقیق با سؤال از شرکت‌کنندگان برای بررسی مشکلات آنها درباره پول، فرزندان، رابطه جنسی، حسادت، خانواده مادر، خانواده پدر، مواد مخدر، الکل، انجام شد. محقق دریافت

مهم‌ترین مسائل مرتبط با رضایت از زندگی زوجین، وضعیت اقتصادی، رابطه جنسی و تعداد فرزندان است. همچنین نتایج نشان داد که رابطه جنسی بر رضایت زناشویی هم زن و هم شوهر تأثیر معنی‌داری دارد و مصرف الکل توسط مردان تأثیر معنادار و منفی بر رضایت زناشویی زنان دارد.

*Lundblad & Hanson (2006)* در پژوهشی بالینی با عنوان «زوج درمانی: اثربخشی درمان و پیگیری طولانی مدت» که روی زوجین سوئدی انجام داده‌اند، دریافتند که آموزش مهارت‌های ارتباطی به زوجین در خانواده‌ها، باعث بهبود روابط زوجین باهم می‌شود. بیش از ۳۰۰ زوج در این پژوهش ثبت نام کردند که مشکلات شدیدی را در سازگاری زناشویی، تعاملات زوجی و علائم روانپزشکی نشان دادند. پس از یک درمان نسبتاً کوتاه که ۵۰ درصد از زوجها در کمتر از ۹ جلسه آن شرکت کردند، نتایج درمان بهبود قابل توجهی را در مسائل مربوط به رابطه، سلامت روانی فردی و افزایش توانایی‌های مقابله‌ای نشان داد. در پیگیری طولانی‌مدت، همه نتایج یکسان باقی ماندند و در برخی جنبه‌ها برای هر دو جنس بهبود یافتند.

*Gaunt (2006)* در بررسی «شباهت زوجین و رضایت زناشویی: آیا همسران مشابه شادتر هستند؟» نشان داده، تشابه در شخصیت کلی بین زوجین با سطح بالایی از رضایت زناشویی و سطح پایینی از انفعال منفی ارتباط دارد. او یک نمونه شامل ۲۴۸ زوج متأهل را بررسی کرد و مشاهده نمود، شباهت بیشتر بین شرکا با سطوح بالاتر رضایت زناشویی و سطوح پایین‌تر عاطفه منفی همراه است. به ویژه، شباهت در حوزه‌های شخصیت و ارزش‌های جنسیتی به شدت با معیارهای رابطه مرتبط بود، در حالی که شباهت در حوزه‌های نگرش و دینداری نشان‌دهنده الگوهای ضعیف‌تر و ناسازگار از تداعی‌ها بوده است.

با مروری بر مطالعات پیشین انجام شده مشاهده می‌شود اغلب آنها با توجه به متغیرهای فردی و روان‌شناختی انجام گرفته و کمتر به عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با متغیر رضایت جنسی پرداخته شده است. همچنین محققان پیشین داده‌های خود را اغلب از زوجینی که به کلینیک‌های درمانی، مراکز مشاوره و یا دادگاه‌های خانواده مراجعه کرده‌اند بدست آورده‌اند. از آنجا که بحث درباره مسائل جنسی به دلیل ملاحظات اخلاقی و فرهنگی به ویژه در جامعه ایرانی غالباً مطرح نمی‌شود و حتی زوجین در زمان مراجعه به این مراکز نیز از صحبت درباره آن ابا دارند، تحقیق حاضر از آن جهت با سایر پژوهش‌های پیشین در این زمینه متفاوت است که به بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با متغیر رضایت جنسی در بین شهروندان یک شهر پرداخته است.

*Vowels & Mark (2008)* نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند رضایت جنسی زوجین از عوامل تأثیرگذار در تعارضات زوجین می‌باشد و عدم رضایت جنسی در یکی از زوجین یا بین دو طرف باعث اختلافات بین زوجین می‌شود (4: *Golabi & et. al, 2022*). *Berent* در تحقیقات خود با موضوع تحرک اجتماعی و ازدواج، مشاهده کرده که در ۷۱ درصد ازدواج‌ها، نظام فکری و سطح تحصیلات زن و شوهر یکی بوده و همچنین سطح پایین تحصیلات زوجین یکی از عوامل زمینه‌ساز بروز اختلاف بین آنها است. *Stuart* بر این عقیده است که میان آموزش فرد و آنچه که از همسر او انتظار می‌رود نوعی تناسب منطقی وجود دارد. *Hamilton* نیز عقیده دارد میان سعادت خانوادگی و همگونی تحصیلات همبستگی مستقیمی وجود دارد (61: *Sarukhani, 2012*).

### مبانی نظری پژوهش

غریزه جنسی از نیازهای اساسی و ذاتی انسان به شمار می‌آید (*Maslow, 1976*)؛ نیاز جنسی را در ردیف نیازهای جسمانی و اساسی اولیه می‌داند و در زمینه رابطه جنسی معتقد است این نیاز از عوامل مهم در احساس خوشبختی زوجین می‌باشد. نظریه‌های مختلفی در خصوص ابعاد مختلف رضایت جنسی وجود دارد، چارچوب نظری پژوهش حاضر بر نظریه‌های مربوط به تأثیر همسان همسری و مداخله‌گرهای اجتماعی و اقتصادی بر رضایت جنسی می‌باشد که در ادامه شرح مختصری بر آنها می‌رود.

ارضای درست غریزه جنسی یک نیاز طبیعی است که باید به آن پاسخ داده شود. *Nichols (2005)* بر این عقیده است که، تکالیفی برای رسیدن به مرحله توافق در روابط زناشویی وجود دارد که یکی از آنها بر قراری رابطه جنسی ارضاکنده برای هر دو طرف است (*Bakshaish & Mortazavi, 2008:75*). امیال و نیازهای جنسی در زندگی زناشویی نقش مهمی دارند. لذت جنسی موجب می‌شود بسیاری از مشکلات روزمره زندگی و اختلافات زناشویی نادیده گرفته شود و وابستگی عاطفی بین زن و شوهر افزایش یابد. افرادی که از رابطه جنسی خود با همسرشان رضایت بالایی داشتند، به‌طور قابل ملاحظه‌ای کیفیت زندگی بهتری نسبت به افرادی با رضایت جنسی پایین‌تر، گزارش می‌کنند ( *Movahed & Azizi, 2013: 192*).

یکی از عوامل اساسی در خانواده‌ها، بحث مربوط به نارضایتی جنسی است ولی متأسفانه به دلیل عوامل فرهنگی و اجتماعی و تابو بودن در مورد آن چیزی گفته نشده و مطرح نمی‌شود. این مسئله تأثیر مخرب غیر مستقیم روی سایر روابط زوجین هم می‌گذارد؛ زوجین



که در روابط جنسی خود با همسرشان رضایت بیشتری دارند، غالباً در ابعاد مختلف مؤثر بر کیفیت زندگی، از شرایط بهتری برخوردار هستند؛ از این رو می‌توان نتیجه گرفت که ریشه تعارضات زناشویی مطلوبیت و یا عدم رضایت در روابط جنسی است.

در یک رابطه زناشویی سالم، اتصال و وابستگی به دلیل میل است و نه از روی نیاز، (Bradshaw, 1993) معتقد است، در این شرایط هر کدام از زوجین کم و بیش در جهت کامل شدن در حرکتند. زوجینی که از کامل بودن یکدیگر حمایت و حراست می‌کنند به هم می‌پیوندند و رشد می‌کنند و «هر کدام برای دیگری شرایطی را برای رشد کردن به وجود می‌آورند» هر کدام از زوجین با کم کردن از کنترل، انتقاد، سرزنش و داوری به رشد دیگری کمک می‌کنند (Bradshaw, 1993:103).

*Hiel* بر این عقیده است یکی از عوامل رضایت زناشویی، همسرگزینی زوجین از بین افرادی هستند که همسان باشند (Sarukhani, 2012:41). در این راستا *Greyf* در تعریف سازگاری و رضایت زناشویی بر این عقیده دارد که زوجین سازگار زن و شوهرهایی هستند که تفاوت زیادی از نظر مسائل مختلف با یکدیگر ندارند و از نوع سطح روابطشان راضی‌اند از نوع و کیفیت گذران اوقات فراغت و رضایت دارد و مدیریت خوبی در زمینه وقت و مسائل مالی خودشان اعمال می‌کند (Mehdipour, Baz Kiaei & et. al, 2014:24).

نظریه‌پردازانی همچون *Cheny* و *Bowerman* نیز وقوع طلاق را چنین ریشه‌یابی کرده‌اند: تا زمانی که رفتار و انتظارات زوجین مکمل یکدیگر باشند، هر دو تحت تأثیر مجموعه‌های ارزشی و هنجاری مشابه و همسو قرار می‌گیرد. اما در صورتی که زوجین با شرایط ناهمسان و با فرهنگ‌های متفاوت در کنار یکدیگر زندگی کنند، علیرغم نزدیکی فیزیکی، نوعی فاصله اجتماعی و فرهنگی بین آنها وجود خواهد داشت و این موضوع سبب می‌شود نهاد خانواده متلاشی شود (Karami & Alborzi, 2019: 105).

در امر همسرگزینی، *Valor* زوجین را تشویق به ازدواج درون‌گروهی می‌کند. به نظر او مهم‌ترین واقعه در امر همسرگزینی، گرایش به سوی وصلت‌های اجتماعی همسان است. او این گفتار را با پاره‌ای معیارهای مبهم اما کاملاً واقعی بیان کرده است. از نظر او در دنیای ما کنترل‌های اجتماعی حافظ مرزهای گروه‌های اجتماعی و جایگزین کنترل‌های قانونی گذشته شده است. *Mavine* نیز در بررسی وضعیت ازدواج در جامعه امریکایی تأکید می‌کند که: تعداد ازدواج‌هایی که در آمریکا در درون گروه‌های اجتماعی دارای خصوصیات همسان انجام گرفته ۲/۸ بار بیشتر از ازدواج‌هایی است که به‌طور تصادفی انجام شده‌اند (Sarukhani, 2012: 59).

همسان بودن همسران به دلیل وجود انتظارات مشترک زوجین در زندگی مشترک می‌تواند باعث تشدید رضایت زناشویی باشد. وقتی که زوجین از خانواده‌های با نظام ارزشی مشترکی هستند، دیدگاه آنها در بسیاری از مشکلات و مسائل روزمره که در خانواده با آنها رو به رو هستند، تفاوت چندانی نخواهند داشت و سازگاری زناشویی آنها هم بیشتر خواهد شد (Jahangiri & et. al, 2021: 144). طبق نظر Coen افراد در جوامع معاصر بیشتر افراد همسرانشان را از میان افراد هم سن و سال، هم دین، هم طبقه و کسانانی انتخاب می‌کنند که سطح تحصیلاتشان با آنها تقریباً برابر باشد و از نظر قیافه ظاهری مورد پسندشان قرار گرفته باشد (Shafii Masuleh & et. al, 2014: 114).

Greenblat بر این عقیده است که طبقه‌ای که فرد به آن تعلق دارد یکی از عوامل تعیین‌کننده انتخاب همسر است طبقه اقتصادی عاملی می‌باشد که نقش تعیین‌کننده در انتخاب همسر دارد (Gadri & Mardan, 2012:97). با توجه به این موضوع وضع اقتصادی عاملی برای رضایت زناشویی و عاملی برای جلوگیری از تعارضات زناشویی است.

ساروخانی در بحث از همسرگزینی و ازدواج فاصله سنی زوجین را یکی از ملاک‌های مهم در انتخاب همسر معرفی می‌کند. « به عقیده Bernhard بیشترین خرسندی برای زنان هنگامی حاصل می‌شود که با مردی ازدواج کند که ۵ تا ۶ سال بزرگتر از همسرانشان باشند Cottrell & Burgess، اختلاف سنی میان دو نفر که پیوند زناشویی می‌بندد را یک مسئله بسیار مهم تلقی کرده‌اند، لیک به گمان این دو دانشمند وضعی که برای نیکبختی خانواده چندان مساعد نیست. هنگامی پدید می‌آید که شوهر میان ۴ تا ۷ سال از همسر خود بزرگتر باشد» (Sarukhani, 2012: 53).

فرض اساسی در رویکرد (Masters & Jonson, 1970)، آن است که چیزی به نام همسر بی‌تقصیر در رابطه‌ای که عدم ارضای جنسی در آن به چشم می‌خورد وجود ندارد. برای تبیین این موضوع، او نداشتن مهارت ارتباطی زوجین را یک عامل مهم می‌داند نه اینکه فقط متعلق به یکی از طرفین باشد، آنچه در فقدان این مهارت مؤثر است فاصله سنی نامناسب زوجین است (Goldenberg & Goldenberg, 2003:345). اشخاص بالغ که به خاطر وجود سرمشق‌های ضعیف یا به خاطر کاستی‌های یادگیری مشکل ارتباط دارند، در مورد دیگران نگرش‌های غیر واقع بینانه‌ای دارند زیرا هنوز هم انتظارات یا به قول اسکینر، نظام‌های فرافکنی‌ای، دارند که در نتیجه کاستی‌های دوران کودکی در آنها باقی مانده‌اند.

Skinner با ارائه رویکرد مبتنی بر روابط فردی معتقد است وقتی چنین اشخاصی همسری را برمی‌گزینند، این انتخاب را دست کم تا حدودی بر اساس میزان همتایی دو جانبه

نظام‌های فرافکنی خویش با همسرشان انجام داده‌اند؛ در این صورت هر نفر به صورت ناهشیار از طریق ازدواج می‌خواهد موقعیتی فراهم آورد تا بتواند به وسیله آن تجربه گمشده‌اش را ارضا کند (Goldenberg & Goldenberg, 2003:157).

*Earl Boen* بر این عقیده است تعدد فرزند و توجه افراطی به فرزند و فرزند سالاری در بین زوجین یکی از عوامل مهم در تعارضات زناشویی است (Jahani Daulatabad, 2015: 322). *Barat (1988)* متوجه شد، زمانی که تولد یک کودک باعث پدیدار شدن یک مثلث در خانواده هسته‌ای می‌شود این امر، باعث سست شدن روابط زناشویی می‌شود. چرا که یکی از والدین به کودک نزدیک و از همسرش دور می‌شود. او مدعی است که ناتوانی هر یک از همسران در تبدیل شدن به یک والد، و در عین حال، ناتوانی در ایفای نقش به عنوان همسر می‌تواند صمیمیت زوجین را شدیداً تهدید کند (Goldenberg & Goldenberg, 2003: 40).

### روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری تحقیق، کلیه افراد متأهل ساکن در منطقه ۷، ۸ و ۵ شهرداری تبریز در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ هستند؛ نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای و انتخاب نمونه‌ها به صورت تصادفی انجام شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه با سؤالات استاندارد استفاده شده و محقق با حضور در محلات مختلف مناطق مورد پژوهش، پس از جلب موافقت داوطلبان سؤالات را برای آنها مطرح و پاسخ‌های آنها را در پرسشنامه درج و ثبت نموده است.

برای سنجش رضایت جنسی، سؤالات پرسشنامه استاندارد *Larson* بکار رفته که در پنج بعد خشنودی جنسی، تبادل کلامی، آگاهی جنسی، نگرانی جنسی، ارتباط جنسی این متغیر را بررسی می‌کند؛ همچنین سؤالات مربوط به همسان‌همسری بر حسب سؤالات پرسشنامه ( *Gadri & Mardani, 2012*) تنظیم شده که ایشان برای بررسی رابطه همسان‌همسری و مطلوبیت روابط زناشویی از این سؤالات استفاده کرده‌اند. پایایی پرسشنامه بوسیله اندازه‌گیری آلفای کرونباخ برای متغیر رضایت جنسی مقدار ۰/۷۸۳ و برای همسان‌همسری ۰/۷۱۸ محاسبه شده است.

### فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین همسان‌همسری با رضایت جنسی زوجین رابطه وجود دارد.
- ۲- رضایت جنسی با میزان سن زوجین رابطه دارد.
- ۳- رضایت جنسی بر حسب میزان تحصیلات زوجین متفاوت است.
- ۴- رضایت جنسی بر حسب تعداد فرزندان زوجین متفاوت است.

۵- رضایت جنسی بر حسب میزان درآمد خانواده تفاوت دارد.

### یافته‌های پژوهش

#### الف) یافته‌های توصیفی

از میان ۱۸۰ نفر مرد و ۱۷۹ نفر زن داوطلب که در این تحقیق مشارکت داشته‌اند و پاسخ‌های آنها برای این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است، جوان‌ترین پاسخگو ۱۶ سال و مسن‌ترین‌شان ۸۰ سال دارند. بیشترین فراوانی مربوط به فاصله سنی همسران، با ۴۷/۳ درصد مربوط به گروه دارای فاصله سنی ۵-۱ سال و کمترین فراوانی مربوط به گروه با فاصله سنی ۳۰-۲۶ سال با ۰/۸ درصد است. سطح تحصیلات دبیرستان با ۳۰/۱ درصد بیشترین درصد فراوانی و کمترین درصد فراوانی برای این متغیر با ۶/۴ درصد فراوانی مربوط به افراد فاقد توانایی خواندن و نوشتن است. از نظر نوع شغل، بیشترین فراوانی با ۴۰/۱ درصد مربوط به خانه‌داری و کمترین فراوانی با ۱/۱ درصد مربوط به گروه بیکار است. بیشترین فراوانی از نظر میزان درآمد، مربوط خانواده‌های با سطح درآمد ۶ تا ۹ میلیون تومان با ۳۰/۴ درصد و کمترین فراوانی مربوط به سطح درآمد کمتر از ۳ میلیون تومان با ۴/۴ درصد است. در خصوص تعداد فرزندان بیشترین فراوانی مربوط به خانواده‌های دارای دو فرزند با ۳۲ درصد و کمترین فراوانی ۰/۶ درصد برای خانواده‌های با ۶ فرزند و یا بیشتر است.

میانگین رضایت جنسی در نمونه بررسی شده برابر ۴۴/۰۹۴ است که از مقدار متوسط قابل اکتساب در مقیاس بکار برده شده برای سنجش آن بیشتر است. به عبارت ساده‌تر مقدار این متغیر در نمونه مورد بررسی بیش از مقدار متوسط است. چولگی مربوط به این متغیر ۰/۲۱۳- و کشیدگی برابر با ۰/۲۲۶ و انحراف معیار برای این متغیر ۴/۸۵۹ بدست آمده است. میانگین همسان‌همسری ۱۷/۹۳۷ است که از مقدار متوسط قابل اکتساب در مقیاس بکار برده شده برای سنجش آن کمتر است. انحراف معیار ۵/۰۳۶ و چولگی و کشیدگی برای این متغیر به ترتیب ۰/۱۷۳ و ۰/۴۷۷- می‌باشد. نتایج مربوط به چولگی و کشیدگی برای متغیرهای مذکور حاکی از نرمال بودن داده‌ها می‌باشد.

#### ب) یافته‌های استنباطی

برای بررسی وجود رابطه بین متغیرهای وابسته رضایت جنسی با متغیر همسان‌همسری از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج بدست آمده در جدول ۱ نشان می‌دهد بین این متغیر با رضایت جنسی رابطه معنی‌دار و مستقیمی وجود دارد.

**جدول ۱:** نتایج آزمون همبستگی بین رضایت جنسی و همسان همسری**Table 1: Correlation Test Results of Independent and Dependent Research Variables**

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
Variable	Pearson Correlation	Sig
رضایت جنسی و همسان همسری	۰/۴۴۹	۰/۰۰۰

بر اساس آنچه در جدول ۲ مشاهده می‌شود فرضیه وجود تفاوت میانگین رضایت جنسی بر حسب سطح تحصیلات تأیید می‌شود. به عبارت دیگر تفاوت میانگین رضایت جنسی بر حسب سطح تحصیلات پاسخگو از لحاظ آماری، معنادار است.

برای آن که مشخص شود معناداری ناشی از تفاوت بین کدام گروه‌ها است از آزمون تعقیبی *LSD* استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد افراد دارای سطح تحصیلات بالاتر از لیسانس اختلاف معنی دار با هم ندارند ولی افرادی با تحصیلات در سطح لیسانس و بالاتر، رضایت جنسی کمتری نسبت به گروه‌های با سطح تحصیلات پایین‌تر از خود دارند.

**جدول ۲:** نتایج آزمون آنالیز واریانس یک طرفه متغیر سطح تحصیلات پاسخگو و همسر پاسخگو با رضایت جنسی**Table 2: One-Way Analysis Of Variance Test Results of Respondent's Education Variable, Respondent's Spouse with Sexual Satisfaction**

آنالیز واریانس یک طرفه					میانگین رضایت جنسی پاسخگو	تحصیلات
One-Way Analysis of Variance						
معنی داری	کمیت <i>F</i>	درجه آزادی	برون گروهی	درون گروهی	Average of Respondent's Sexual Satisfaction	Education
<i>Sig</i>	<i>F</i>	<i>D.F</i>	Within Groups	Between Groups		
۰/۰۰۰	۴/۶۳۲	۳۶۱	۱۷۹/۱۱۴	۱۱/۶۵۱	۲/۰۹۶	فوق لیسانس و بالاتر
					۲/۰۹۲	لیسانس
					۲/۳۶۵	متوسطه
					۲/۵۲۴	راهنمایی
					۲/۴۷۹	ابتدایی
					۲/۵۲۱	بیسواد

از آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین متغیر رضایت جنسی با سن استفاده شده و نتایج بدست آمده در جدول ۳ نشان می‌دهد بین متغیر سن با رضایت جنسی رابطه معنی‌دار و معکوس وجود دارد بطوری که هر چقدر سن زوجین افزایش می‌یابد از رضایت جنسی زوجین کاسته می‌شود.

**جدول ۳: نتایج آزمون همبستگی سن پاسخگویان با رضایت جنسی زوجین**  
**Table 3: The Results of the Correlation Test of Respondents' Age with Couples' Sexual Satisfaction**

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
Variable	Pearson Correlation	Sig
رضایت جنسی و سن پاسخگویان	-.۱۸۷	.۰/۰۰۰

برای بررسی رضایت جنسی زوجین بر حسب تعداد فرزندان از آزمون آنالیز واریانس استفاده شده و براساس نتایج مندرج در جدول ۴ مشاهده می‌شود رابطه معنی‌داری بین دو متغیر حاکم است. به عبارتی تعداد فرزندان بر رضایت جنسی زوجین تأثیر می‌گذارد. نتایج آزمون تعقیبی *LSD* برای مشخص کردن تفاوت بین گروه‌ها نشان می‌دهد رضایت جنسی بین زوجین که ۳ و کمتر از ۳ فرزند دارند بیشتر از سایر گروه‌ها است.

**جدول ۴: نتایج آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه متغیر رضایت جنسی زوجین با تعداد فرزندان**  
**Table 4: One-Way Analysis of Variance Test Results of the Variable Number of Children with Couples' Sexual Satisfaction**

آنالیز واریانس یک‌طرفه					میانگین رضایت جنسی	تعداد فرزندان
One-Way Analysis of Variance						
معنی داری	کمیت <i>F</i>	درجه آزادی	برون گروهی	درون گروهی	Average of Respondent's Sexual Satisfaction	Number of Children
<i>Sig</i>	<i>F</i>	<i>D.F</i>	Within Groups	Between Groups		
.۰/۰۰۰	۵/۱۰۶	۳۶۰	۱۵۰/۳۱۸	۱۳/۰۰۸	۳/۴۶۴	۰
					۳/۰۴۸	۱
					۳/۰۵۲	۲
					۲/۸۹۹	۳
					۲/۸۶۳	۴
					۲/۸۰۲	۵
					۲/۵۵۵	۶

فرضیه وجود تفاوت بین میانگین رضایت جنسی پاسخگویان بر حسب درآمد، چنانکه ارقام محاسبه شده در جدول ۵ نشانگر آن است تأیید می‌شود. برای آن که مشخص شود معنی‌داری ناشی از تفاوت بین کدام گروه‌ها است از آزمون تعقیبی *LSD* استفاده شده است. نتایج آزمون تعقیبی نشان می‌دهد رضایت جنسی در افراد دارای درآمد بالای ۱۲ میلیون تومان نسبت به سه گروه با درآمد کمتر از ۳ میلیون و ۳ الی ۶ میلیون تومان و ۶ الی ۹ میلیون تومان بیشتر می‌باشد.

**جدول ۵:** نتایج آزمون آنالیز واریانس یک طرفه متغیر رضایت جنسی با متغیر سطح درآمد

**Table 5: Results of Analysis of Variance of an Income Level with Sexual Satisfaction Variable**

آنالیز واریانس یک طرفه					میانگین رضایت جنسی	درآمد (تومان)
One-Way Analysis of Variance						
سطح معنی‌داری	کمیت <i>F</i>	درجه آزادی	برون گروهی	درون گروهی		
<i>Sig</i>	<i>F</i>	<i>D.F</i>	<i>Within Groups</i>	<i>Between Groups</i>	<i>Average of Respondent's Sexual Satisfaction</i>	<i>Income (Tomans)</i>
.۰/۰۰۰	۲/۹۷۶	۳۶۱	۱۸۹/۸۳۲	۴/۷۹۳	۲/۷۹۸	کمتر از ۳ میلیون
					۳/۰۲۲	۳ الی ۶ میلیون
					۳/۱۲۷	۶ الی ۹ میلیون
					۳/۲۶۱	۹ الی ۱۲ میلیون
					۳/۹۹۳	بالای ۱۲ میلیون

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با رضایت جنسی زوجین در بین شهروندان شهر تبریز انجام شده است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که همسان‌همسری با رضایت جنسی رابطه معنی‌دار و مستقیمی دارد. به عبارتی زوجین همسان در زمینه مختلف زندگی از رضایت زناشویی بالایی برخوردارند. به نظر می‌رسد زوجین که به ازدواج ناهمسان تن می‌دهند و از خرده‌فرهنگ، طبقات اقتصادی و قومیت‌های متفاوتی باشند، انتظارات متفاوتی از یکدیگر دارند و

با بر آورده نشدن این انتظارات زوجین از رضایت کمتری برخوردار می‌شوند، این مسئله در خصوص برقراری رابطه جنسی بین زوجین نیز صادق است. این یافته با نتایج تحقیقات ( *Gantt* , 2006; *Jahangiri & et. al*, 2021)، همسو می‌باشد. در تبیین این یافته با استفاده از نظریه والر وهیل می‌توان گفت که در همسان‌همسری این فرض وجود دارد که هر چه همانندی قومی، جغرافیایی، فرهنگی طبقاتی و ارزشی بیشتر باشد طرفین از رضایت زناشویی بیشتری برخوردارند. چرا که زوجین قبل از اینکه با هم زندگی مشترک خود را شروع کنند به یک زبان مشترک برای حل تعارضات زناشویی خود صحبت می‌کنند؛ بنابراین همسان بودن زوجین از این جهات می‌تواند یکی مؤلفه‌های اصلی رضایت در روابط زناشویی زوجین باشد.

در مطالعه حاضر بین تحصیلات زوجین با رضایت جنسی زوجین تفاوت معنی‌داری مشاهده شده است. این نتیجه با یافته‌های ( *Balagyry & Sadat Hosseini*, 2018)، همسو می‌باشد این نتیجه را با استفاده از نظریه کوئن می‌توان تبیین کرد. بر اساس این نظریه، تحصیلات مؤلفه بارز و زمینه‌ساز رضایت جنسی زوجین است. زوجین که دارای تحصیلات بالا هستند در مسائل زناشویی خود با منطق ارتباطی علمی‌تری دنبال حل مسئله خود می‌باشند و با کوچک‌ترین مسئله، تعارض و کشمکش از هم فاصله نمی‌گیرند بلکه با گفت و گو و توافق مسئله خود را حل می‌کنند.

سن زوجین نیز یکی از عوامل تأثیرگذار در رضایت جنسی زوجین است. این نتیجه با تحقیقات ( *Golabi & et. al*, 2022)، همچنین با نظریه برنارد همسو می‌باشد. به نظر می‌رسد زوجین در سنین پایین که از توانایی جسمی و روحی بالایی برخوردارند توافق بیشتری برای رضایت جنسی بین آنها حاکم است در حالی که افزایش سن زوجین باعث تشدید تفاوت در انتظارات و نیازهای جنسی زوجین شده که منجر به تنش و کاهش رضایت در مسائل زناشویی زوجین می‌شود.

یافته‌ها نشان می‌دهد هر چقدر زوجین دارای فرزند بیشتری باشند رضایت جنسی بین زوجین کاهش می‌یابد. این یافته با نتایج تحقیق ( *Rasakh Jahormi & et. al*, 2021)، در بررسی رضایت زناشویی در زنان مراجعه‌کننده به کلینیک زنان شهرستان جهرم نیز همسو می‌باشد. اگر چه وجود فرزندان از عوامل مهم در تحکیم روابط زناشویی به نظر می‌رسد اما تعداد زیاد فرزندان خود به عاملی برای اختلاف نظر، خواسته و انتظارات زوجین در برقراری رابطه می‌شود که در نهایت به کاهش رضایت زناشویی منجر می‌شود.

نتایج دیگر تحقیق گویای آن است که درآمد، ویژگی مؤثر بر رضایت جنسی زوجین است. هر چقدر در آمد و وضع اقتصادی زوجین بالاتر باشد زوجین از رضایت جنسی بیشتری برخوردار می‌شوند. همچنین زوجین دارای درآمد پایین به همان نسبت دارای رضایت جنسی پایینی



هستند. این نتیجه با یافته‌های (Talaizadeh & Bakhtiarpour, 2015)، در مورد رابطه رضایت زناشویی و رضایت جنسی با سلامت روان زوجین، کاملاً همسو است و با نظریه گرینبلت نیز پشتیبانی می‌شود. تأثیر درآمد بر رابطه بین زوجین در نظریه گرینبلت چنین عنوان شده که زوجین دارای درآمد بالا، چون امکانات رفاهی و امنیت اقتصادی لازم برای زندگی مشترکشان بیشتر تأمین می‌شود و خاطری آسوده از این نظر دارند، این امر باعث رضایت بیشتر آنها از رابطه با همسر می‌شود.

نیازها و غرایز جنسی یکی از بنیادی‌ترین نیازهای زناشویی است که در صورت مشکل در تأمین این نیاز، پایه‌های روابط عاطفی زوجین و در نتیجه رضایت از رابطه بین آنها سست می‌شود. محرومیت و یا نارضایتی جنسی بین زوجین می‌تواند عامل بنیادی در تضعیف رابطه عاطفی و از هم‌گسیختگی زندگی زناشویی شود. این مسئله نه تنها از نظر فردی بلکه به لحاظ اجتماعی مهم است زیرا می‌تواند سبب بروز مشکلات متعدد اجتماعی شود. در عین حال یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد علاوه بر عوامل فردی و روانشناختی، عوامل متعدد اجتماعی در این موضوع نقش دارند. به‌طور کلی می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که روابط زناشویی مطلوب به روابط ایده‌آل زوجین کمک می‌کند. هر چند برای روابط مطلوب تعریف‌های گوناگونی می‌تواند وجود داشته باشد و به‌ویژه با توجه به تأثیر شرایط فرهنگی و عوامل اجتماعی بر تعریف مطلوبیت رابطه نمی‌توان از یک تعریف مطلق و واحد در این خصوص صحبت کرد اما بی‌تردید در جوامع سنتی نظیر جامعه ایرانی، به دلیل قبح فرهنگی پرداختن به موضوع رضایت جنسی بسیار محدود است و حتی در بسیاری از موارد حتی در بین زوجین از صحبت درباره آن ابا دارند.

در عین حال متغیر رضایت جنسی دارای ابعاد مختلفی از جمله خشنودی جنسی، تبادل کلامی، آگاهی جنسی، نگرانی جنسی، ارتباط جنسی می‌باشد که اغلب آنها تحت تأثیر عواملی هستند که نیاز به آموزش و آگاهی دارند اما در بستر اجتماع سنتی، توجه به این ابعاد مورد غفلت قرار می‌گیرد. با توجه به این ابعاد مختلف، متغیر رضایت جنسی تحت تأثیر عواملی اجتماعی همچون همسان همسری و عوامل زمینه‌ای همچون تحصیلات و سن زوجین، تعداد فرزندان و درآمد زوجین قرار دارد که در صورت بهبود این عوامل زوجین می‌توانند در کنار یکدیگر زندگی بهتری را تجربه کنند.

## پیشنهادهای پژوهش

با توجه به نتایج و نظر به اهمیت رضایت جنسی در رضایت از زناشویی و حفاظت از بنیان خانواده، پیشنهاد می‌شود بررسی و تحقیق روی سایر عوامل اجتماعی مرتبط با آن مثل مذهب، اخلاق، نگاه جنسیتی مورد تحقیق قرار گیرد.

همچنین اگر چه صحبت در مورد مسائل مربوط به زناشویی از تابوهای اجتماعی در جامعه ما محسوب می‌شود ولی با توجه به اهمیت رضایت جنسی بین زوجین در تحکیم روابط و صمیمیت آنها پیشنهاد می‌شود، کلینیک‌ها مشاوره خدماتی در زمینه راهنمایی زوجین در این خصوص ارائه دهند.

همچنین با توجه به تأثیر همسان بودن زوجین در زمینه‌های تحصیلی، اقتصادی، سنی و توانایی جسمی، در رضایت زوجین از رابطه با هم، پیشنهاد می‌شود در زمینه گزینش همسر آموزش برای کسب آگاهی‌های لازم از سوی مراکز ذیربط در این خصوص ارائه شود.

فراهم آمدن امکان تعامل مثبت با اتخاذ رویکردهای مشابه بین همسران، در مواردی مثل ابراز خوشحالی، امید و حمایت از یکدیگر و نیز به حداقل رساندن تعابیر منفی در گفتگوی مستقیم بین زوجین با انتخاب همسران همسان بیشتر می‌شود. اطمینان و دلگرمی از فهم افکار و پذیرش آن از سوی همسران به تثبیت رابطه منجر می‌شود و حتی به نظر می‌رسد در مواردی نظیر تقسیم وظایف و مسئولیت‌هایی که بر عهده زوجین است و قدردانی آنها از یکدیگر تأثیرگذار باشد. پیشنهاد می‌شود چنین بررسی‌هایی در تحقیقات آتی به صورت پژوهش‌های کیفی در خصوص وضعیت اقتصادی و فاصله سنی زوجین بیشتر مورد واکاوی قرار گیرد.

بر اساس یافته‌ها متغیر تعداد فرزندان نیز از متغیرهای مرتبط با رضایت جنسی است. به نظر می‌رسد واکنش‌های هیجانی زوجین در حمایت از فرزندان توسط هر یک از زوجین، یا نامناسب شدن فضای ارتباطی بین زوجین با افزایش تعداد فرزندان بر کاهش رضایت جنسی تأثیر می‌گذارد. بسیاری از زوجین پس از به دنیا آمدن فرزندان خود را سر این دو راهی می‌بینند که کدام ارجحیت دارد، همسر یا فرزند؟ برخی ممکن است تمام توجه خود را معطوف به کودکان نمایند و به همسر خود بی‌توجهی کنند. در صورت ایجاد ارتباط مناسب بین زوجین، آنها می‌توانند به صراحت در مورد خواسته‌های خود صحبت کنند و با هم برای گذراندن اوقات برنامه‌ریزی کنند. پیشنهاد می‌شود آموزش‌های مناسب برای افزایش مهارت‌های ارتباطی و نحوه زمان‌آفرینی برای تعامل مناسب زوجین مد نظر آموزش‌های پیش از ازدواج قرار گیرد.

## قدردانی

بدین وسیله نویسندگان از تمام شرکت کنندگان در این پژوهش مراتب تشکر و قدردانی را اعلام می‌دارند.

## **References:**

Azadian, O. & Fathi, S. (2016). "Investigation of marital compatibility among Tehrani couples and its effect on marital life satisfaction", *Women in Society (Sociology of Women)*, 7 (Special Issue) 85-104. (Persian).

Azarnik, M., Rafieipour, A., Hatami, M., & Mousavi, M. (2021). "The effectiveness of communication skills training on marital satisfaction and reducing marital conflicts among female students of the University of Medical Sciences", *Women and Family Studies*, 14(54), 159-181. doi: 10.30495/jwsf.2021.1923537.1540( .Persian).

Bakshaish, A., & Mortazavi, M. (2008). "The relationship between sexual satisfaction, general health, and marital satisfaction in couples", *Applied Rotology Quarterly*, year 3, No. 4(12)7-23. (Persian).

Balagyry, M., & Sadat Hosseini, S. (2018). "Presenting predictive patterns of emotional divorce in Kermanshah couples", *Journal of New Researches in Behavioral Sciences*, Vol. 4(36) 29-53. (Persian).

Bradshaw, J. (1993). *A family of revolutionary methods for self-knowledge*, translated by Mehdi Karacheh Daghi, Alborz Publishing House. (Persian).

Gadri, T Mardani, S. (2012). "Relationship of conjugal relationship and the desirability of marital relationships", *welfare planning, and social development*, 5(15)87-129. (Persian).

Gaunt, R. (2006). "Couple similarity and marital satisfaction: Are similar spouses happier?", *Journal of Personality*, 74(5), 1401-1420.

Ghadiri, M., & Forootan, S. (2008). "Sexual difference, the hidden cause of divorce: the necessity of the presence of a trained doctor in the composition of family counseling center experts", *family research*, 4(4), 1-16. (Persian).

Golabi, F., Alizadeagdam, M & Hosseinzadeh, E. (2022). "Investigating the individual background factors related to women's

sexual satisfaction (a study of married women in Tabriz city)", *Gender and Family*, 9(2) 118-143. (Persian).

Goldenberg, I., & Goldenberg, H. (2003). *Family therapy*, translators: Hossein Shahi Barvati, Hamid Reza; Naqshbandi, Siamak; Arjmand, Elham, Tehran Rawan publishing house. (Persian).

Haddadi Berezaki M., & Tawakkel, M. (2014). Explaining women's consumption and self-sexualizing behaviors in the form of self-objectification theory, *National Journal of Social Psychology of Iran*. (Persian).

Ismailpour, K., Khajeh, V., & Mahdavi, N. (2012). Predicting spouses' marital satisfaction based on communication beliefs and communication skills, *Family Research*, 9(33) 31.(Persian).

Jahangiri, E; Ahmadi, V; Karimi, J. (2021). "Match of value spouse and marital satisfaction, a case study: Noorabad city", *Journal of Applied Sociology*, 31(84)141-156. (Persian).

Jahani Daulatabad, E. I. (2015). "Sociological study of the causes and contexts of marital conflicts in Tehran", *Iranian Social Issues Review*, 5(2), 332. (Persian).

Karmi, F., & Albarzit, S. (2017). "Investigating social factors affecting the tendency to divorce in Shiraz city", *Population Studies*, 4(1), (7 series), 101-126. (Persian).

Lundblad, A. M., & Hansson, K. (2006) "Couples therapy; effectiveness of treatment and long-term follow-up", *Journal of Family Therapy*, 28, 136-152.

Masoudi Asl, S., & Rad, F. (2015). Investigating social factors related to marital discord in Tabriz city, *Sociological Studies*, 8th year, No. 31, 48-80. (Persian).

Mehdipour Baz Kiaei, M., & Sedaghati Fard, M. (2014). Investigating the relationship between marital satisfaction and intimacy of couples with home adaptation, *Analytical-Cognitive Psychology Quarterly*, 6(22), 24-51. (Persian).

Movahed, M.; & Azizi, T. (2013). "Studying the relationship between women's sexual satisfaction and conflicts between spouses", *Women in Development and Politics*, 9(2), 181-206. (Persian).

Nunes De Araujo, N (2007). "Marital Problems and Marital Satisfaction, An Examination of a Brazilian Sample", Marriage and Family Therapy Programme, School of family life, Brigham Young University.

Rahmani, A.; Sadeghi, N.; Allah Qoli, L. & Marqalati Khobi, E. (2006). "Sexual relationship with individual factors in couples", journal of the Faculty of Nursing and Midwifery, Iran University of Medical Sciences, 22(66) 15. (Persian).

Rasakh Jahormi, A, Kalani, N., Moqrab, F., & Heydari, R. (2021). "With the title of investigation of marital satisfaction and factors related to it in women referring to women's clinic in Jahrom city in 2019", Qom University of Medical Sciences Journal, 15(8)541-547. (Persian).

Reis, J., de Oliveira, L., Oliveira, C., & Nobre, P. (2021). "Psychosocial and behavioral aspects of women's sexual pleasure: A scoping review", International Journal of Sexual Health, 33(4), 494-515.

Saggino, A.; Martino, M.; Balsamo, M.; Carlucci, L.; Ebisch, S., Innamorati, M. & Tommasi, M. (2016). "Compatibility quotient, and its relationship with marital satisfaction and personality traits in Italian married couples", Sexual and Relationship Therapy, 31(1), 83-109.

Sarukhani, B. (2012). Sociology of Communication: Tehran: Information. (Persian).

Sena International Law Foundation, statistics related to divorce in Iran (2019). <https://www.sena2015.com>.

Shafii Masuleh Yede, S., Nadushan, A., & Zare S (2014). "The study of factors determining the age and education of couples (a case study of couples in Yazd city)", Sociology of Youth Studies, 6(2), 114. (Persian).

Talaizadeh, F., & Bakhtiarpour, S. (2015). "In a research aimed at the relationship between marital satisfaction and sexual satisfaction with couples' mental health", Thought and Behavior, 10(40)37-46. (Persian).

---

Tasew, A. S., & Getahun, K. K. (2021). "Marital conflict among couples: The case of Durbete town, Amhara Region, Ethiopia", *Cogent Psychology*, 8(1), 1903127.

Zare, B., & Safiari Jafarabad, H. (2014). "Studying the relationship of factors affecting the level of satisfaction with married life among married men and women in Tehran", *Naan Studies*, 1(1) 111-126. (Persian).

## Social Factors Related to Sexual Satisfaction Between Couples (Case Study: Citizens of Tabriz City)

Fattaneh Hajilou (Ph.D)<sup>1</sup>, Fatemeh Golabi (Ph.D)<sup>2</sup>  
Bahman Ranjegar Galekandy<sup>3</sup>

DOI: 10.22055/QJSD.2024.44247.2841

### Abstract:

Sexual satisfaction is an important factor effect on marital satisfaction. This research was conducted to investigate social factors related to sexual satisfaction among married people in Tabriz City. The current research is a cross-sectional survey. The target population is married people living in three urban areas of the ten districts of Tabriz city in 2022. The sample size is 384 people were determined based on Cochran's formula and the volunteers participating in the research were investigated using the stratified random sampling method. Descriptive statistics methods were used to describe the data and independent t-tests, analysis of variance, and Pearson's correlation test were used in SPSS software version 22 to check the relationship between variables. Demographic variables have also shown a significant effect on the variable of sexual satisfaction. The results of the research show that homo spouse is one of the social factors influencing the sexual satisfaction of couples. Also, other findings of the research show that education, income, age of the couple, and number of children are factors influencing the sexual satisfaction of couples.

**Key Concepts:** *Sexual Satisfaction, Homo Marriage, Couple Relationships, Marital Satisfaction*

---

<sup>1</sup> Assistant Professor, Department of Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran (Corresponding Author), fhajilou@tabrizu.ac.ir

<sup>2</sup> Associate Professor, Department of Social Sciences and Member of the Health Hub, University of Tabriz, Tabriz, Iran, f.golabi@tabrizu.ac.ir

<sup>3</sup> Master of Sociology, Department of Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran, ranjegarbahman@gmail.com

